

موانع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن ها^۱

علی ربیعی^۲

زهرا نظریان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

چکیده

طی دو دهه گذشته، علاوه بر دلایلی چون کاهش هزینه‌ها و تخصیص بهینه منابع و افزایش کارایی، دلایل دیگری از جمله ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش و تغییر ترکیب جمعیتی متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها، گرایش به خصوصی سازی^۴ در آموزش عالی را تسریع کرده است. در ایران نیز رشد آموزش عالی خصوصی در برنامه سوم توسعه مطرح و مورد پی گیری قرار گرفته اما همواره با

^۱ مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی موانع خصوصی سازی دانشگاه های دولتی شهر تهران و

ارائه ی سیاست های مناسب جهت رفع آن ها» در دانشگاه پیام نور تهران غرب است.

^۲ دانشیار گروه مدیریت رسانه و ارتباطات دانشگاه پیام نور تهران. alirabiee@pnu.ac.ir

^۳ مربی گروه فنی و مهندسی دانشگاه پیام نور لنگرود. z.nazarian184@gmail.com

^۴ Privatization

تنگناهایی روبرو بوده است. این مقاله کوششی در جهت کشف چالش‌ها و موانع گسترش آموزش عالی خصوصی است. در مطالعه حاضر، پس از بیان آموزه‌های نظری، تلاش شده تا به دو سؤال در این زمینه پاسخ داده شود. نخست اینکه مهمترین موانع پیش‌روی خصوصی سازی دانشگاه‌ها در کشور کدام است و دیگر اینکه چه راهکارهایی برای غلبه بر این مسایل و مشکلات وجود دارد. یافته‌های این تحقیق به روش مطالعه اکتشافی متکی بر ابزار مصاحبه عمیق با متخصصان دانشگاهی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی و نیز استفاده از ابزار پرسشنامه (به دو صورت پرسشنامه باز و پرسشنامه بسته) حاصل شده است. در یافته‌های تحقیق ۲۶ مشکل و مانع پیش‌روی خصوصی سازی دانشگاه‌ها مشخص شد که در این میان مواردی چون فقدان قوانین حمایت از سرمایه گذاری خصوصی، پایین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی، فقدان آزادی علمی در دانشگاه‌ها و تمایل دولت به تسلط در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران از بالاترین اهمیت برخوردار بودند. برای پاسخ به سؤال دوم تحقیق نیز در پایان، پیشنهادهایی راهبردی جهت رفع یا کاهش مشکلات ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

آموزش عالی، خصوصی سازی، موانع، استقلال دانشگاهی

مقدمه و بیان مسئله

در گذشته مخاطبان علم (مانند دانشجویان)، بیش تر «مخاطبانی نیازمند» تلقی می شدند اما امروزه آن‌ها «مشتریانی» هستند که تقاضاهای متحول و متنوع ناشی از شرایط اقتصادی زندگی و تحولات محیط و تکنولوژی و بازار دارند (گیبس، ۲۰۰۱). امروزه آموزش عالی نه فقط به عنوان یک کالای مصرفی که نخبگان جامعه به آن توجه دارند بلکه به خاطر اینکه یک عنصر ضروری در عملکرد اقتصاد ملی کشورهاست، دارای اهمیت بسیاری است. بنابراین تصادفی نیست که تعداد مؤسسات آموزش عالی و نیز تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در آن‌ها، در تمامی کشورهای پیشرفته، همواره در حال افزایش بوده است. از سوی دیگر، نظام دانشگاهی انبوه و در عین حال با کیفیت بالا، پرهزینه است و برای بدست آوردن منابع مالی عمومی با دیگر بخش‌ها رقابت می کند (بار، ۲۰۰۴: ۲۶۶). در این میان دلایل زیادی برای نگرانی در مورد عدم توانایی دولت در تأمین بودجه آموزش عالی در مقایسه با سایر وظایف اصلی او وجود دارد.

امروزه دانشگاه‌ها بطور فزاینده بر نقش خود در تأمین منابع مالی قابل استفاده برای ارتقای کیفیت برنامه های آموزشی و پژوهشی خود تأکید دارند، زیرا آن‌ها بیش از پیش خود را در یک محیط به شدت رقابتی و غیر حمایتی می بینند (هاشم نیا و همکاران، ۱۳۸۸). نتایج حاصل از بررسی الگوهای متداول باز توزیعی در آموزش عالی بر هدفمند ساختن روش‌ها و سازوکارهای باز توزیعی از طریق تخصیص مجدد منابع ملی و اختصاص یارانه‌های عمومی و جلب کمک‌های بشردوستانه خصوصی در یک اقتصاد مختلط تأکید داشته و بیان می دارند که لازم است تا آموزش عالی هم چون کالای شبه عمومی و از طریق سیستمی دو رگه به صورت دولتی و خصوصی ظاهر شوند (جیمز، ۱۳۸۱: ۱۵۰). این در حالی است که مطالعات نشان می دهد که یارانه‌های آموزش عالی بیش از خانواده های نادر و کم درآمد نصیب خانواده‌های با درآمد بالا می شود (وودهاال، ۱۳۸۰: ۳۰). از این رو، سیاستگذاران، مدیران و رهبران آموزشی در جستجوی ابداع و به کارگیری راه حل‌ها و روش‌هایی هستند که از طریق آن‌ها بتوانند با تهدیدهایی که پیامد چنین تغییراتی است، مقابله کنند. (استرل و همکاران، ۲۰۰۷)

در این راستا، در ایران نیز در برنامه های سوم و چهارم توسعه به صراحت بر توسعه بخش خصوصی کشور تأکید شده و اقدامات جسته گریخته ای همانند تأسیس غیر انتفاعی، علمی - کاربردی و دوره های شبانه و گسترش و توسعه دانشگاه های آزاد اسلامی، صورت گرفته است که با وجود اقدام های انجام شده، آموزش عالی کاملاً خصوصی در کشور ایجاد نشده است و این دانشگاه ها صرفاً به شکل غیر دولتی به فعالیت مشغول هستند. در این میان آن چه مهم می نماید، بررسی تنگناها و مشکلاتی است که آموزش عالی کشور در فرایند خصوصی سازی با آن روبروست. در این پژوهش با توجه به خصوصیات و ویژگی های خاص و بنابر اهمیت آموزش عالی و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور، این نهاد جهت انجام تحقیق انتخاب شده و تلاش گردیده تا چالش های واگذاری آن به بخش خصوصی مورد بررسی قرار گیرد. از آن جهت، در این مطالعه بر آنیم تا موانع خصوصی سازی دانشگاه های دولتی کشور را از ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، قانونی، ساختاری و آموزشی مورد بررسی قرار دهیم. مسئله اصلی این پژوهش عبارت است از این که در راستای خصوصی سازی آموزش عالی، چه موانع و چالش هایی وجود دارد و برای حل آنها از چه راهکارها و سیاست هایی می توان استفاده نمود. بر این اساس، نخست، ادبیات خصوصی سازی آموزش عالی مورد بحث قرار گرفته و پس از تحقیقات لازم شاخص ترین موانع مشخص و در نهایت راهکارهایی جهت رفع آن ها ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

اصطلاح خصوصی سازی در آموزش عالی، بر فرآیند یا گرایشی اطلاق می شود که در آن دانشگاه ها و مدارس عالی (اعم از دولتی و خصوصی) منشها و هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را پیش بگیرند (جانسون، ۱۳۸۳ : ۲). نزدیکترین معنی به واژه خصوصی سازی، دور شدن از سرمایه گذاری دولتی و نزدیک شدن به سرمایه گذاری خصوصی است. برای آموزش عالی این عبارت شامل یک سری از فعالیت هایی است که در دانشگاه اتفاق می افتد و باعث می شود تا دانشگاه ها خدماتی را که دولت به نام الزامات مالی به آنها عرضه می کند، قطع کنند و به یافتن منابع جدید مالی بپردازند، تصدی گری

دولت را کاهش و شهریه‌ها و حق التدریس را افزایش دهند. این موضوع دقیقاً برخلاف استانداردهای دولتی است. همچنین خصوصی سازی شامل تمرکز بیشتر بر تصمیم گیری در داخل دانشگاه، افزایش استقلال علمی و توسعه منابع مالی خصوصی است. بطور کلی خصوصی سازی سبب افزایش فشار بر دانشگاه‌ها به منظور افزایش کارایی، پی گیری و دستیابی به اهدافشان و در آمد بیشتر می گردد (نی، ۲۰۰۴ : ۳۴). خصوصی سازی دانشگاه-ها نقشی حیاتی در هدایت تحصیلی دانشجویان برای دست یابی به چشم اندازهای تحصیلی شان بازی می کند و به دنبال دست یابی به حداکثر کارایی و بهره وری و درآمد است (بیستانگ، ۲۰۰۵ : ۴). از طرفی بخش خصوصی آموزش عالی برای استمرار بقای فعالیت خود مجبور به ارتقای سطح و کیفیت فعالیت و کاهش هزینه است. بنابراین حضور پررنگ تر بخش خصوصی به نفع اقتصاد ملی است (نی استیون، ۲۰۰۲ : ۳۵). نیز معمولاً می تواند یک عامل کمک کننده به استقلال^۱ دانشگاهی باشد. شرایط جامعه بزرگتر محیط بر هر مؤسسه، ناگزیر استقلال سازمانی را محدود می سازد. در حالت عادی، که مؤسسه آموزش عالی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، بودجه قابل توجهی از دولت دریافت می کند، طبیعی است که دولت به چگونه هزینه شدن بودجه علاقمند باشد (رحمانی میاندهی وهمکاران، ۱۳۸۰ : ۲۵). استقلال دانشگاهی و مدیریت خودگردان دانشگاه را خود دانشگاهیان تعریف کرده اند؛ بدین صورت که دانشگاهیان خود نظام دانشگاهی را کنترل می کنند و تصمیمات مربوط به آن را در درون دانشگاه می گیرند و این حالتی است که دانشگاه بتواند از قید و بند دولتی رها باشد، بتواند امور داخلی خود را آزادانه اداره کند، منابع مالی را خود تخصیص دهد، از منابع غیر دولتی تامین در آمد کند، هیأت علمی مورد نیاز را با توجه به نیازهای داخلی اش استخدام کند و بالاخره این که شرایط آموزشی و پژوهشی خود را تعیین نماید بدین ترتیب، استقلال دانشگاهی به موقعیتی اطلاق می شود که مؤسسه آموزش عالی مجاز باشد بدون دخالت و تأثیر مستقیم نیروی خارج از دانشگاه، به اداره امور بپردازد. (فراستخواه، ۱۳۸۹ : ۱۱)

^۱. Autonomy

در همین راستا یکی از مهمترین مسایل « وجود آزادی علمی^۱ » در دانشگاه هاست معنای آزادی علمی آن است که اعضای جامعه علمی در فعالیت های تحقیقاتی ، آموزشی و تحصیلی و خدمات و مشارکت های علمی خود از هرگونه تبعیض مصون باشند و هیچ گونه مداخله یا سرکوب از سوی دولت ها یا دیگر سازمان ها و منابع آن ها را تهدید نکند. (خدمات دانشگاهی جهان^۲، ۲۰۰۲) لات^۳ تأمین زیاده از حد دانشگاه از طریق بودجه دولتی را مهمترین مانع تحقق آزادی علمی دانسته است. به نظر وی ، میان آزادی علمی و تأمین بودجه صرفاً از طریق دولت نوعی تناقض وجود دارد. مدیران یک چنین دانشگاهی ممکن است شعارهای بلند و بالایی استقلال و آزادی را تکرار کنند ولی در عمل اتفاق دیگری می افتد (لات، ۱۹۹۰ : ۱۱۳). امروزه در اغلب کشورها اصلاح یا تحول در نظام تخصیص منابع مالی به عنوان ابزار مهمی در زمینه مدیریت نظام آموزش عالی در نظر گرفته شده (عزتی و نادری، ۱۳۸۸ : ۲۵). به گونه ای که به آرامی به مؤسساتی که بیش از پیش با محرکه های بازار رقابتی و الزامات بازرگانی و اقتصادی هدایت می شوند، تبدیل شده و از هویت دولتی خود فاصله گرفته اند، چنان که امروزه بسیاری از این مؤسسات درصد بالایی از منابع خود را از منابع خارجی، شرکت ها و مؤسسات اقتصادی و بازرگانی تأمین می کنند. (مهرگان و دهقان نیری، ۱۳۸۸ : ۵۸) دانشگاه ها دیگر در دنیای رقابتی تر شده امروز به ندرت صرفاً به صورت یک مؤسسه غیر انتفاعی تلقی می شوند و کم و بیش ناگزیر می شوند که برای تنوع و توسعه منابع مالی و اعتباری خود، با بنگاه ها تعامل پیش بگیرند و از سرمایه ها و امکانات و تجهیزات و اطلاعات آن ها استفاده کنند و از منابع اختصاصی برای خود تولید درآمد کنند (اتزکویتز، ۲۰۰۱ : ۱۸). اهمیت مؤسسات آموزش عالی خصوصی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. مثلاً در مکزیک یک بخش خصوصی آموزش عالی که با بخش بازرگانی و صنعت گره خورده در مقابل بخش دولتی وامانده به گونه ای برجسته خود نمایی می کند. در عوض در برزیل یک بخش خصوصی کم اعتبار ، ولی با قابلیت عظیم جذب تقاضا وجود دارد. (جونز، ۱۳۸۳ : ۴۹۰).

^۱. Academic freedom

^۲. world university service

^۳. Lott

تحقیقات بیانگر این مطلب است که همواره کشورها سیاست های متفاوتی را جهت گسترش بخش خصوصی اتخاذ نموده اند که مهمترین آنها چگونگی تأمین منابع مالی است. برای افزایش منابع مالی در بخش خصوصی آموزش می توان به مواردی چون کمک های مردمی، اخذ مالیات، اخذ شهریه در کنار اعطای وام و بورس تحصیلی اشاره نمود (محمودی، ۱۳۷۵). خصیصه مشترک تدارک آموزش عالی آن است که شهریه یکی از منابع اصلی درآمد به شمار آید (بوید، ۱۹۹۹ : ۱۲۱۸). بطوریکه برای مثال ۵۰ درصد دانشجویان در اوکراین (کابینه وزرای اوکراین^۱، ۲۰۰۸) ۷۳ درصد در برزیل و ۸۳ درصد در ایران (وب سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) شهریه می پردازند و این سبب شده تا دانشجویان از خانواده های کم درآمدتر در دسترسی به آموزش عالی با مشکل مواجه شوند. از این رو دولت ها می کوشند تا با اعطای کمک هزینه ها، وام و بورس های تحصیلی و تسهیلات ویژه ای چون هدایا و جوایز بر این مشکل غلبه کنند. براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال تحصیلی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ کشورهای عضو این سازمان به طور متوسط برای هر دانشجوی تمام وقت بالغ بر ۸۴۰۰ دلار هزینه کرده اند. در حالی که ایالات متحده در همین سال تحصیلی برای هر دانشجوی تمام وقت خود حدود ۱۹۰۰۰ دلار، هزینه نموده است. (گزارش موسسه پژوهشی هزینه پروژه دلتا^۲، ۲۰۱۰) در برخی از کشورها نیز تعداد خاصی از دانشگاه های رایگان (یا با هزینه های خیلی پایین) وجود دارند که دولت به آن ها کمک هایی اعطا می کند. (مارکوچی و جانستون، ۲۰۰۷: ۳۷) همچنین در برخی کشورها، دولت ها مردم را تشویق می کنند که به بخش خصوصی آموزش عالی کمک کنند. این امر مستلزم ایجاد محیط مالیاتی مطلوب برای افراد و شرکت هایی است که تمایل به پرداخت کمک های مالی برای مقاصد آموزشی دارند. چنین سیاست هایی در ایالات متحده آمریکا اجرا شده و به NGO ها اجازه داده می شود تا میلیاردها دلار به عنوان کمک های مالی جمع آوری کنند در سال تحصیلی

^۱ . Cabinet of Ministers of Ukraine Decree

^۲ . A Report of the Delta Cost Project. American institute for research

۲۰۰۹-۲۰۰۸ خیرین حدود ۲۸ میلیارد دلار به دانشگاه‌های امریکایی کمک نموده اند. (انجمن کمک به آموزش^۱، ۲۰۱۰)

وضعیت خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

نظام عالی کشورمان طی چند دهه اخیر با چالش‌های متعددی نظیر رشد فزاینده متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت پذیری و پاسخ‌گویی بیشتر و... مواجه بوده است. کمبود منابع مالی مورد نیاز مؤسسات آموزشی برای توسعه دانشگاه‌ها و پاسخ‌گویی به نیازهای مزبور به عنوان یکی دیگر از چالش‌های اصلی نظام آموزش عالی کشورمان مطرح بوده است. به همین علت، در آموزش عالی ایران الزامات قانونی مورد نیاز به منظور پاسخ‌گویی به چنین چالش‌هایی پیش‌بینی شده و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز دستخوش تحولات زیادی شده‌اند (گزارش ملی آموزش عالی کشور، ۱۳۸۷). چالش مهم دانشگاه‌های ایران در این زمان: کسب و ارتقای هویت علمی و فرهنگی با توسعه استقلال سازمانی^۲ و آزادی علمی به منظور افزایش بهره‌وری و تحقق رسالت‌های دانشگاه، افزایش اثر بخشی اجتماعی و پاسخ‌گویی به دولت و جامعه و تحولات بازارکار و فناوریهای جدید است. هر چند که این رویکرد در تعارض با نظام اداری و تصمیم‌گیری متمرکز کشور است و به همین دلیل هم با مقاومت روبرو شده و می‌شود (معین، ۱۳۸۳: ۱۹). با این وجود در ده سال گذشته کمیت و کیفیت آموزش عالی در ایران از رشد خوبی برخوردار بوده است. هم‌اکنون حدود سه میلیون و هفتصد هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و غیر انتفاعی مشغول به تحصیل‌اند که در این میان سهم بخش غیر دولتی غیر قابل انکار است. (آراسته و اسفندیاری، ۱۳۸۹: ۱۶).

بحث خصوصی‌سازی در آموزش عالی برای اولین بار در سال ۱۳۷۳، با مساله خصوصی‌سازی و واگذاری دانشگاه پیام نور به بخش خصوصی مطرح شد. این طرح که

^۱ . Council for aid to Education

^۲ . Institutional Autonomy

به دلیل محدودیت شدید منابع مالی دولت به مجلس ارائه شده بود، تصویب نشد. همچنین مصوبه برنامه دوم توسعه مبنی بر پرداخت ۳۰ درصد هزینه تحصیل از سوی دانشجویان نیز به تصویب نرسید. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵). در بند ۴ و ۵ خط‌مشی‌های اساسی بخش آموزش عالی برنامه دوم توسعه، بر ایجاد زمینه‌های مناسب قانونی جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی غیردولتی تأکید شده و این روند توسط دولت پی‌گیری شده است. در این راستا ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و نمود آن در برنامه چهارم توسعه تأکیدی بر ادامه سیاست‌های اعمال محدودیت تصدی‌گری دولت و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی است. ابلاغ سیاست‌های اصل می‌تواند زمینه‌های لازم را در جهت اجرای خصوصی سازی در دانشگاه‌ها را فراهم آورد. نمونه‌های ذیل شکل‌هایی از آموزش عالی خصوصی در ایران است: ۱- مؤسساتی که هزینه کامل خود را از استفاده کنندگانی نظیر دانشجویان یا کارفرمایان تأمین می‌کنند، اما تحت نظر برنامه ریزی‌های دانشگاه‌های دولتی ارائه می‌شوند، مانند دانشگاه‌های غیر انتفاعی و آزاد. ۲- شکل میانه‌ای از خصوصی سازی که در آن دولت با اهداف غیر انتفاعی، آموزش عالی را ارائه می‌دهد، اما سهم قابل توجهی از منابع آن از دولت، دانشجویان و خانواده‌های آنان تأمین می‌شود، مانند دوره‌های شبانه و کارشناسی ارشد آموزش محور (رحیمی کلیشادی، ۱۳۸۸). در مورد ایران به طور کلی به نظر می‌رسد که هزینه و شهریه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی در مقایسه با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بسیار بالاست، بطوری که تنها دارندگان درآمدهای متوسط و بالا قادرند در این مراکز تحصیل نمایند و دانشجویان کم درآمد و بی بضاعت به واسطه اینکه توانایی پرداخت مخارج و شهریه این دانشگاه‌ها و مؤسسات را ندارند، از گردونه انتخاب خارج می‌شوند. از سویی دیگر گرچه نظام آموزش عالی در این کشور یک نظام متمرکز محسوب می‌شود که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آن توسط چند دستگاه رسمی دولتی انجام می‌گیرد، اما عمده هزینه‌های آن بر دوش مردم است، به طوری که بیش از چهار پنجم دانشجویان در ایران در دوره‌های شهریه‌ای مشغول به تحصیل اند و بخش عمومی، مسئولیت کمی در قبال تأمین هزینه‌های آموزش عالی برعهده دارد (روشن، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

پیشینه تحقیق

در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی در کشور و خارج از آن تحقیقات متعددی صورت گرفته است. برای نمونه رفیع پور (1381)، به بررسی تأثیر خصوصی سازی بر اثربخشی واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس پرداخت. نتایج تحقیقات وی نشان داد که خصوصی سازی سبب افزایش کارایی و نیز بهبود کیفیت خدمات ارائه شده توسط واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی می گردد. تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰)، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان خصوصی سازی آموزش عالی را مورد ارزیابی قرار دادند. ملکی (۱۳۸۵)، مؤلفه های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور را تعیین و با شناسایی هفت مؤلفه اصلی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزش و فرهنگ، جهانی شدن، ساختاری و مجازی) مؤلفه های موثرتر را شناسایی و در نهایت مدلی را استخراج و ارائه نمود. ذاکر صالحی (۱۳۸۸)، نیز به بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران پرداخته و در نهایت راهکارهایی را ارائه نمود. جعفر (۱۳۸۹)، در مقاله خود به ارائه مدلی مناسب برای خصوصی سازی آموزش و پرورش در ایران پرداخت. اسمولیکز (۱۹۹۹)، خصوصی سازی در آموزش عالی چهار کشور فیلیپین، استرالیا، لهستان و ایران را مورد بررسی قرار داد. وی به بررسی شرایط و سیستم آموزش عالی در این چهار کشور اکتفا نموده و بیان می نماید که شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کدام از این کشورها، نوعی از خصوصی سازی را می طلبند و نمی توان یک الگوی جامع را برای همه کشورها ارائه نمود. مک کوان (۲۰۰۴)، رشد و کیفیت دانشگاه‌های خصوصی شده در برزیل را مورد تحقیق قرار داد و مورا (۲۰۰۵)، در بررسی و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در آمریکای لاتین، بیان نمود که مشکل عمده در این کشورها، فقر مردم است که مانع از پیشبرد طرح های خصوصی سازی می گردد. استرومکویست (۲۰۰۶) در تحقیق خود به رابطه ی بین تجاری سازی و خصوصی سازی در آموزش عالی پرداخت. سیوالینگام (۲۰۰۶)، در مقاله خود فاکتورهای ظاهری حاصل از خصوصی سازی دانشگاه‌ها یعنی کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیتی را در مالزی طی سال های ۲۰۰۶-۱۹۷۰، مورد تحقیق قرار داد. لیال و همکارش (۲۰۰۶) نیز در مقاله ای روند

خصوصی سازی در آموزش عالی آمریکا را بررسی کرده و بیان می دارند که میزان واقعی حمایت های مالی ایالتی از دانشگاه ها در این کشور به نسبت گذشته کاهش یافته است به گونه ای که دانشگاه های ایالتی مجبورند به سراغ سایر منابع تامین مالی (به خصوص افزایش شهریه) بروند. تیلاک (۲۰۰۸)، با توجه به تفاوت های موجود در تقاضای ورود به دانشگاه ها در کشورهای مختلف آسیایی، گرایش دولت ها به خصوصی سازی آموزش عالی را در ۱۱ کشور این قاره مورد تحقیق قرار داد. هلزهاکر و همکارانش (۲۰۰۹) نیز در تحقیقی خصوصی سازی دانشگاه ها را در ۴ کشور اوکراین، مغولستان، برزیل و هلند را بررسی کردند. در مقطع اخیر تحقیقاتی که به طور جامع به بررسی خصوصی سازی در آموزش عالی و دانشگاه های دولتی کشور پردازد، صورت پذیرفته است و این ضرورت بررسی و تحقیق در این رابطه را آشکارتر می سازد.

اهداف پژوهش

هدف از این تحقیق دستیابی به موارد زیر است: ۱- راهکارهایی جهت کمک به فرایند خصوصی سازی و تسریع در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲- تبیین و مشخص نمودن موانع و چالش های پیرامون خصوصی سازی دانشگاه های دولتی کشور. ۳- ارائه راهکار به منظور استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت ها و توانایی های موجود در دانشگاه ها و موسسات پژوهشی وابسته به وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری و تحقق اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشور. ۴- کمک به ایجاد بازاری رقابتی در میان دانشگاه های دولتی به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی. ۵- ارائه راهکار به منظور افزایش درآمدهای اختصاصی دانشگاه ها و واحدهای پژوهشی.

سؤالات پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش سؤالات زیر به عنوان سؤال های اصلی مطرح و مورد بررسی قرار می گیرند: ۱- سیاست های مناسب برای خصوصی سازی در نظام آموزش عالی کشور کدام است؟ ۲- مهمترین موانع پیشروی خصوصی سازی دانشگاه های دولتی کشور

چیست؟ در راستای سؤال دوم تحقیق سؤالات فرعی به صورت زیر سامان یافته است: مهمترین موانع قانونی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور کدام است؟ مهمترین موانع اقتصادی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور چیست؟ مهمترین موانع سیاسی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور چه می‌تواند باشد؟ مهمترین موانع ساختار اداری پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور کدامند؟ مهمترین موانع آموزشی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور چیست؟ مهمترین موانع فرهنگی و اجتماعی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش متکی بر یک مطالعه زمینه یاب از نوع اکتشافی و بصورت کیفی و کمی است که در بخش ادبیات نظری از روش مطالعات اسنادی استفاده شده است. در این مقاله تلاش گردیده تا با استفاده از نظرات کارشناسان تصویر جامع تری از موانع خصوصی سازی دانشگاه‌ها در کشور ارائه و مهمترین آن‌ها معلوم گردد؛ هم‌چنین بصورت هم‌زمان با استفاده از نظرات استادان و مدیران دانشگاهی و روسای موسسات غیر انتفاعی، راهکارهایی جهت کاهش و یا رفع این چالش‌ها اخذ و طبقه بندی شده است. مطالعات میدانی تحقیق این تحقیق در سه مرحله صورت پذیرفته است:

مرحله اول: از آن جایی که موضوع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران موضوعی است غیر ساخت‌مند و پیچیده؛ به منظور استخراج موانع پیشاروی آن از روش مصاحبه استفاده شده است. در این راستا با توجه به مطالعه ادبیات نظری و تحقیق‌های صورت گرفته توسط نویسندگان مقاله شش مانع اصلی (با توجه به سؤال‌های تحقیق)، انتخاب و سپس سؤالات مصاحبه با توجه به اهداف تحقیق و سؤالات مربوط به صورت نوع نیمه ساخت‌مند و محقق ساخته تهیه و تدوین گردید. در این میان ۲۰ تن از اساتید شاغل به تدریس و کارشناسان مربوطه در حوزه‌های آموزش عالی، علوم سیاسی، اقتصاد و حقوق و علوم اجتماعی انتخاب شدند (دلیل انتخاب این افراد ارتباط ابعاد شش گانه سؤالات

فرعی تحقیق با تخصص این افراد می باشد). در زمان مصاحبه نخست در خصوص هدف کلی تحقیق و سؤالات اصلی و فرعی آن، توضیحات لازم داده می شد و پس از آن سؤالات مربوطه مطرح می گردید. با وجود محدودیت وسعت جامعه، از طریق مصاحبه های عمیق و به روش تحلیل محتوی - تحلیل متن - اعماق و زوایای موضوع مورد بررسی قرار گرفته و موانع موجود، در شش بعد استخراج گردیدند. لازم به ذکر است که شیوه تحلیل متن مصاحبه به شکل قیاسی بوده است. بدین منظور با توجه به مطالعات نگارندگان، موانع اصلی را مشخص و سپس در تحلیل یافته ها در مرحله مصاحبه مصادیق و مؤلفه های مربوط به هر دسته از موانع بدست آمده است. مرحله دوم: به کمک مؤلفه ها (موانع) بدست آمده پرسشنامه ای مشتمل بر ۲۶ سؤال (با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳) با شش متغیر به شیوه لیکرت طراحی شد. جامعه آماری در این مرحله از تحقیق، شامل متخصصین و کارشناسان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی در تهران می باشد با توجه به نامحدود بودن تعداد اعضای جامعه آماری، حجم نمونه به روش تصادفی خوشه ای انتخاب گردید که شامل اساتید و اعضای هیأت علمی دانشکده های مدیریت و علوم اقتصاد سه دانشگاه تهران، علامه طباطبائی و تربیت مدرس (با سطح تحصیلات دکتری) می باشند. در این تحقیق کلیه ی اساتید و اعضای هیأت علمی این ۶، دانشکده مورد توجه بوده اند اما به لحاظ عدم همکاری و یا عدم حضور افراد و نیز محدودیت های زمانی مجموعاً حجم نمونه گیری بالغ بر ۱۱۴ تن گردید که پس از توزیع پرسشنامه در بین این افراد، ۹۳ پرسشنامه (۸۱/۵۸ درصد) به محققین بازگردانده شد. پس از اجرای پرسشنامه ها، داده های خام پژوهش، از پرسشنامه ها استخراج و در جدول اطلاعات کلی تنظیم شد، سپس کلیه اطلاعات از طریق نرم افزار آماری Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مرحله سوم: در این مرحله به منظور ارائه راهکارهایی مناسب جهت رفع مهمترین موانع استخراجی از مرحله دوم؛ پرسشنامه ای باز طراحی گردیده و از ۴۰ تن از مدیران مؤسسات غیر انتفاعی خواسته شد تا برای موانع ذکر شده راه کارهایی را پیشنهاد نمایند. سپس مهمترین راهکارها بدست آمد.

یافته ها

یافته اول: استخراج چالش ها و موانع خصوصی سازی دانشگاه ها از دیدگاه پاسخگویان: در مرحله اول تحقیق و در مسیر مطالعات اسنادی و پس از آن فرآیند برگزاری مصاحبه عمیق با کارشناسان ، ۲۶ مسئله یا مشکل عمده در اجرای خصوصی سازی آموزش عالی مشخص و دسته بندی شد. این چالش ها در شش بعد (براساس سؤالات فرعی تحقیق) استخراج گردیدند که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱. معرف های بدست آمده از منظر پاسخگویان

متغیرها	ردیف	مؤلفه	متغیرها	ردیف	مؤلفه
موانع قانونی	۱	تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش (اصل ۳۰ قانون اساسی)	موانع ساختار اداری	۱۴	وجود دیوان سالاری عمیقو کاغذ بازی
	۲	فقدان قوانین حمایت از سرمایه گذاری خصوصی در بخش آموزش عالی		۱۵	وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی
	۳	مغایرت خصوصی سازی دانشگاه ها ، با اصل عدالت اجتماعی		۱۶	نامناسب بودن و یا فقدان سیاست ها و روش های توسعه ی مشارکت مردمی
	۴	وجود قوانین منطبق بر تمرکز گرایی دولتی		۱۷	وجود فعالیت های دو گانه دانشگاه- های دولتی (مانند دوره های شبانه در کنار دوره های روزانه)
موانع اقتصادی	۵	غیر عادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور	موانع آموزشی	۱۸	فقدان آزادی علمی دانشگاه ها
	۶	پایین بودن قدرت خرید اکثر مردم و عدم توان پرداخت شهریه		۱۹	اعتقاد به مدرک گرایی و کاهش کیفیت آموزشی در صورت خصوصی سازی دانشگاه ها
	۷	نبود فضای رقابتی مناسب، ناشی از اعمال نفوذ وابستگان به دولت		۲۰	طبقه بندی و ایجاد تمایز بین دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی
	۸	ناپایداری وضعیت اقتصادی کشور و نبود ثبات و امنیت اقتصادی	موانع فرهنگی و اجتماعی	۲۲	عدم شفافیت و نبود آگاهی لازم در مورد روش های خصوصی سازی و فواید آن در سطح جامعه

نگرش منفی نسبت به خصوصی سازی آموزش عالی	۲۲		غیر اقتصادی بودن فعالیت های آموزشی و عدم بازگشت سرمایه	۹	موانع سیاسی
تمایل دولت در تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها و دانشجویان	۲۳		انحصار فعالیت بنگاه های اقتصادی توسط بخش دولتی و شبه دولتی	۱۰	
ترس از تغییر در شرایط موجود (مثل تغییر در شرایط نیروی کار، اشتغال و ...)	۲۴		عدم انطباق عملکرد دولت با سیاست های کلی اصل ۴۴ و سیاست های مربوط	۱۱	
عدم اعتماد در زمینه انتقال دانشگاه ها به دور از دخالت های دولتی (از بخش دولتی به خصوصی)	۲۵		عدم تداوم سیاست های خصوصی سازی با تعویض سیاستگذاران و مدیران در کشور	۱۲	
ترس از فاصله گرفتن از ارزش های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه ها	۲۶		عدم وجود امکان نظارت درست بر فعالیت های دولت	۱۳	

یافته دوم: بررسی پرسشنامه ها و کشف اهمیت موانع از دیدگاه پاسخ دهندگان : در مرحله دوم تحقیق ، و پس از جمع آوری پرسشنامه ها ، اطلاعات حاصل از تحلیل داده های جمعیت شناختی نمونه آماری استخراج گردید (جدول ۲) - لازم به ذکر است که تمامی افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده اند - و سپس میزان پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه بسته بدست آمد. نتایج حاصل از ارزیابی اولیه در جدول شماره 3 قابل مشاهده است .

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس جنسیت و گروه سنی پاسخ گویان

جنسیت	فراوانی	درصد	گروه سنی	فراوانی	درصد
مرد	۸۴	۹۰.۳۲	۳۰-۴۰	۱۸	۱۹.۳۵
زن	۹	۹.۱۸	۴۱-۵۰	۲۹	۳۱.۱۸
			۵۱-۶۰	۴۶	۴۹.۴۶
مجموع	۹۳	۱۰۰	مجموع	۹۳	۱۰۰

جدول شماره ۳. درصد فراوانی متغیرهای تحقیق

ردیف متغیر	نام متغیر	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
متغیر اول	موانع قانونی	۹.۷	۱۷.۲	۲۵.۸	۲۹	۱۸.۳	۱۰۰
متغیر دوم	موانع اقتصادی	۸.۶	۱۲.۹	۲۱.۵	۳۷.۶	۱۹.۴	۱۰۰
متغیر سوم	موانع سیاسی	۶.۵	۱۲.۹	۲۲.۶	۳۲.۳	۲۵.۸	۱۰۰
متغیر چهارم	موانع ساختاری	۶.۵	۱۲.۹	۲۲.۶	۳۲.۳	۲۵.۸	۱۰۰
متغیر پنجم	موانع آموزشی	۷.۵	۱۷.۲	۲۲.۶	۳۶.۶	۱۶.۱	۱۰۰
متغیر ششم	موانع اجتماعی و فرهنگی	۵.۴	۱۲.۹	۲۸	۳۴.۴	۱۹.۴	۱۰۰

پس از این مرحله نتایج بوسیله نرم افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفته و مهمترین موانع از دیدگاه اعضای نمونه بدست آمد. میانگین رتبه شاخص های هر متغیر در جداول شماره ۴ الی ۹ قابل رویت است.

یافته سوم: در میان ۶ متغیر مطرح شده با درجه آزادی ۵ و درصد اطمینان ۹۹ درصد، میزان آزمون فریدمن معادل ۶۵/۵۷۹، حاصل گردید که بیانگر تفاوت معناداری میان شش متغیر موجود است. همچنین بر اساس نتایج حاصل، از میان عوامل موثر بر خصوصی سازی دانشگاه ها، موانع سیاسی از نظر پاسخ دهندگان مهمترین عامل بوده و کمترین اهمیت مربوط به موانع قانونی است. ترتیب این نتایج به صورت زیر می باشد:

موانع سیاسی < موانع ساختاری < موانع فرهنگی و اجتماعی < موانع اقتصادی < موانع آموزشی < موانع قانونی

$$۲.۹۷ < ۳.۲۰ < ۳.۴۰ < ۳.۵۹ < ۳.۹۱ < ۳.۹۲$$

یافته ها نشان می دهد که سردرگمی اعضای علمی و سرمایه گذاران فعال بخش خصوصی آموزش عالی، در عمل تدوین یک چشم انداز نسبتاً واقعی را غیر ممکن ساخته است. همچنین تغییرات ناشی از تعویض مدیران و عدم درک مشترک از فعالیت خصوصی در آموزش عالی از جمله نگرانی های جدی است که در مصاحبه های صورت گرفته نیز بر آن تأکید شده است. به علاوه سیاست های جدید آموزش عالی در بخش های دانشگاه پیام نور و شبانه و نیز دانشگاه آزاد و نامعلوم بودن این روند از منظر جامعه آماری این تحقیق

نوعی انحصار گرایی در بخش آموزش عالی خصوصی و گسترش تصدی گری توسط دولت را به دنبال داشته است. از جهتی یک سویه بودن رابطه وزارت علوم با موسسات خصوصی و عدم طرح مسائل و مشکلات این موسسه ها در میان سیاستگذاران، در مجموع مانع سیاسی را به اصلی ترین موانع فعالیت در این عرصه تبدیل نموده است.

یافته چهارم :

جدول شماره ۴. میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر اول طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر اول
۲۸۶	فقدان قوانین حمایت از سرمایه گذاری خصوصی در بخش آموزش عالی	۱	موانع قانونی
۲۵۸	وجود قوانین منطبق بر تمرکز گرایی دولتی	۲	
۲۳۴	مغایرت خصوصی سازی دانشگاه ها ، با اصل عدالت اجتماعی	۳	
۲۰۲	تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش(اصل ۳۰ قانون اساسی)	۴	

طبق آزمون فریدمن و تخصیص رتبه ها بر اساس جدول فوق می توان نتیجه گرفت که در میان موانع قانونی، فقدان قوانین حمایت از سرمایه گذاری خصوصی در بخش آموزش عالی با بیشترین میانگین میان شاخص های مربوطه از بیشترین اهمیت برخوردار است. پس از آن وجود قوانین منطبق بر تمرکز گرایی دولتی از مهمترین موانع بوده و تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش(اصل ۳۰ قانون اساسی) از کمترین اهمیت برخوردار می باشد. از طرفی چون بطور کلی در ایران ، امر کارآفرینی و سرمایه گذاری نوعی ارزش محسوب نمی شود، فعالیت خصوصی، شبیه به فعالیت سرمایه داری با عواقب منفی آن تلقی میشود که ارزش های سه دهه ی اخیر در ایران و به خصوص ارزش های انقلاب اسلامی در کشور ، آن را تقویت نموده است و این امر قابل تعمیم به تمام بخش های خصوصی بوده و دانشگاه ها نیز از این مسئله قابل تفکیک نیستند. از سویی دیگر به رغم تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش ،با توجه به تشکیل دانشگاه آزاد اسلامی ، پیام نور و موسسات غیرانتفاعی و نیز گرفتن دانشجوی دوره های شبانه توسط دانشگاه های دولتی ، تقریباً این اصل منتفی است؛لیکن با این وجود در زمان تصویب قوانین برای

دانشگاه‌های آزاد غیردولتی نوعی دیدگاه از جنبه عدالت اجتماعی حاکم بوده و فقدان پشتوانه های لازم برای سرمایه گذاری در این امر احساس می گردد.

یافته پنجم:

جدول شماره ۵. میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر دوم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

متغیر دوم	ردیف	مؤلفه	Ranks
موانع اقتصادی	۱	پایین بودن قدرت خرید اکثر مردم و عدم توان پرداخت شهریه	۳.۴۷
	۲	نبود فضای رقابتی مناسب، ناشی از اعمال نفوذ وابستگان به دولت	۳.۴۲
	۳	غیر عادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور	۳.۳۴
	۴	ناپایداری وضعیت اقتصادی کشور و نبود ثبات و امنیت اقتصادی	۲.۶۴
	۵	غیر اقتصادی بودن فعالیت های آموزشی و عدم بازگشت سرمایه	۲.۱۳

در مورد موانع اقتصادی خصوصی سازی دانشگاه ها، طیفی از پایین بودن قدرت اقتصادی مردم تا غیر اقتصادی بودن سرمایه گذاری در بخش آموزش مورد بحث است. براین اساس اگر دریافت خدمات آموزشی را در سبد هزینه خانواده ها قرار دهیم مطالعات بیانگر این موضوع است که با توجه به افزایش تمایل به تحصیل، در دو دهه ی اخیر، خانوارها تمایلی جهت کاستن از سبد هزینه کالاهای دیگر و افزایش قدرت ادامه تحصیل فرزندانشان را نشان می دهند که البته این علاقه به بالا رفتن سطح تحصیلات در میان خانواده ها و تبدیل شدن آن به یک معیار مثبت در جامعه از بعد فرهنگی و اجتماعی قابل بررسی است. یافته دیگری که از این پیمایش بدست آمد نشان می دهد که بطور کلی فعالیت در عرصه آموزش عالی کشورمان فاقد فضای رقابتی مناسب است و شرایط به گونه ای است که دولت خود به عنوان یک رقیب اصلی برای بخش خصوصی عمل کرده و قدرت رقابت را از بخش خصوصی سلب می نماید برای مثال دانشگاه آزاد نمی تواند یک دانشگاه خصوصی تلقی گردد. پیام نور یک دانشگاه دولتی است که بصورت خصوصی عمل می کند، از طرف دیگر شبانه شدن دانشگاه های دولتی و همینطور اخذ دانشجوی در مؤسسات غیر انتفاعی وابسته به شرکت های دولتی و بطور کلی نظارت گسترده و جزئی

وزارت علوم بر سایر موسسات غیر انتفاعی تأییدی بر این مسئله است که خود دولت رقیب اصلی برای بخش خصوصی است. در این راستا نظرات اخذ شده از جامعه آماری تحقیق نشان می دهد که اعمال نفوذ افراد و وابستگان به دولت ها برای گرفتن مجوز، خود به نوعی سبب غیر رقابتی شدن فعالیت ها در این بخش می گردد. یکی دیگر از مسائلی که در یافته های این تحقیق رتبه سوم را به خود اختصاص داد، غیر عادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور است. مطالعات نشان می دهد که اقشار شهری و یا افراد ساکن شهرهای کوچک به نسبت اقشار روستایی با توجه به درآمد بالاتری که دارند مشارکت بیشتری را در دانشگاه های خصوصی داشته و می توانند از عهده پرداخت شهریه این دانشگاه ها برآیند. همچنین بی ثباتی وضع اقتصادی کشور یکی دیگر از عوامل عدم تمایل به سرمایه گذاری در این بخش است. ناپایداری وضعیت کشور و نبود ثبات و امنیت اقتصادی ناشی از تصمیمات متفرقه ای که در دولت گرفته می شود و حتی سخنرانی ها و بحث هایی که پیرامون بخش خصوصی آموزش عالی صورت می گیرد، تزلزل هایی را در امر سرمایه گذاری در این بخش به دنبال دارد.

یافته ششم:

جدول شماره ۶. میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر سوم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر سوم
۲.۶۷	عدم تداوم سیاست های خصوصی سازی با تعویض سیاست گذاران و مدیران در کشور	۱	موانع سیاسی
۲.۵۴	عدم وجود امکان نظارت درست بر فعالیت های دولت	۲	
۲.۵۲	انحصار فعالیت بنگاه های اقتصادی توسط بخش دولتی و شبه دولتی	۳	
۲.۲۶	عدم انطباق عملکرد دولت با سیاست های کلی اصل ۴۴ و سیاست های مربوط	۴	

طبق نتایج به دست آمده از جدول ۶، عدم تداوم سیاست های خصوصی سازی با تعویض سیاست گذاران و مدیران در کشور با بالاترین میانگین بیشترین سهم و عدم انطباق عملکرد دولت با سیاست های کلی اصل ۴۴ و سیاست های مربوط با پایین ترین میانگین کمترین سهم را در موانع سیاسی دارد. عدم ثبات در سیاست های خصوصی سازی و تعویض این سیاست ها با تعویض مدیران آموزش عالی یکی از مهمترین موانعی است که افراد جامعه

آماري اين تحقيق به آن اشاره نموده اند. حتي تغييرات نگرشي نسبت به سهامداران و نفوذ افراډي که مجوزهاي لازم را اخذ مي کنند در راستاي تغيير دولت ها و تغيير سياست هاي مربوطه صورت مي گيرد. مورد بعدي وارد شدن دولت به عنوان يک بنگاه اقتصادي در بخش آموزش عالي کشور است، همانگونه که در مورد موانع اقتصادي نيز گفته شده دولت به عنوان رقيب اصلي بخش خصوصي وارد عمل ميشود و اين خود نه تنها سبب عدم امکان نظارت درست بر فعاليت هاي دولت خواهد شد، بلکه به نوعي بر تمامي فعاليت هاي خصوصي سازي کنترل و نظارت خواهد داشت. شواهد نشان مي دهد که دانشگاه پيام نور در سال ۱۳۸۴، با باز نمودن ورودي هاي خود، به عنوان يک رقيب اصلي براي دانشگاه آزاد اسلامي وارد صحنه شد و با کاهش ظرفيت هاي دانشگاه آزاد بر تعداد دانشجويان خود افزود. به همين ترتيب در موسسه هاي غير انتفاعي نيز وزارت علوم با جذب دانشجو، تخصيص دانشجويان به هر مؤسسه نبض اقتصادي اين مؤسسات را در دست گرفته و امور را کنترل مي نمايد. هم چنين مادامي که دولت در دانشگاه هايي چون «دانشگاه پيام نور»، به امر خصوصي سازي اشتغال داشته و آن را گسترش مي دهد، تعداد دانشجويان مؤسسات غير انتفاعي کاهش مي يابد و اين سبب مي گردد تا منحنی تقاضای آموزش برای مؤسسات غيرانتفاعي رو به پايين باشد و اين خود نوعي نگرانی را برای اين مؤسسات به دنبال دارد.

یافته هفتم :

جدول شماره ۷. میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر چهارم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر چهارم
۲.۷۷	وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی	۱	موانع ساختار اداری
۲.۶۸	نامناسب بودن و یا فقدان سیاست ها و روش های توسعه مشارکت مردمی	۲	
۲.۳۸	وجود دیوان سالاریمیقو کاغذ بازی	۳	
۲.۱۷	وجود فعاليت هاي دو گانه دانشگاه هاي دولتي (مانند دوره هاي شبانه در کنار دوره هاي روزانه)	۴	

در بررسی شاخص های مربوط به موانع ساختار اداری نیز وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی با بالاترین میانگین بیشترین سهم و وجود فعاليت های دوگانه

دانشگاه‌های دولتی (مانند دوره شبانه در کنار دوره‌های روزانه) با پایین ترین میانگین کمترین سهم را به خود اختصاص داده است. تحقیق حاضر نشان می دهد که ساختار آموزش عالی در کشور به گونه ای است که دادن مجوز به شکلی سلیقه‌ای صورت گرفته و رویکردی تسهیل گرانه ندارد، همچنین ساختار نظام‌های کنترلی و نظارتی دارای شرایط یکسان و تثبیت شده‌ای نیست. روشن نبودن سیاست های توسعه مشارکت مردمی و نیز دیوان سالاری و روان نبودن کار در وزارت علوم و قرار گرفتن آن با ساختاری دولتی برای انجام فعالیت های خصوصی در مؤسسات خصوصی از دیگر موانع موجود می باشد.

یافته هشتم :

جدول شماره ۸ میانگین رتبه شاخص‌های مربوط به متغیر پنجم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر پنجم
۲.۲۶	فقدان آزادی علمی دانشگاه ها	۱	موانع آموزشی
۲.۱۰	اعتقاد به مدرک گرایی و کاهش کیفیت آموزشی در صورت خصوصی سازی دانشگاه ها	۲	
۱.۶۳	طبقه بندی و ایجاد تمایز بین دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی	۳	

طبق نتایج به دست آمده از جدول فوق ، فقدان آزادی علمی دانشگاه ها با بالاترین میانگین بیشترین سهم و طبقه بندی و ایجاد تمایز بین دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی با پایین ترین میانگین ، کمترین سهم را در موانع آموزشی دارد. یکی از مهمترین موانع در میان موانع آموزشی عدم وجود آزادی علمی در مؤسسات خصوصی برای گسترش فعالیت های علمی و پژوهشی است. وجود استانداردهای وزارت علوم برای محدود کردن فعالیت ها و از سویی تمایل به تخصیص هزینه های پایین در انجام فعالیت های علمی توسط سهام داران مؤسسات خصوصی آموزش عالی از مهمترین مشکلات گسترش این مراکز است. مانع آموزشی دیگر در مؤسسات خصوصی و دولتی اعتقاد به مدرک گرایی است. ارزش شدن مدرک دانشگاهی یکی از چالش های اساسی در بازار عرضه و تقاضای آموزشی است و این امر سبب شده نسبت به گذشته حتی در مؤسسات دولتی کشورمان ، کیفیت آموزشی در حال افول باشد. از طرفی تحقیقات و بررسی ها نشان می دهد که توسعه و بهسازی هیأت های علمی در دانشگاه

های خصوصی به مراتب پایین تر و ضعیف تر از دانشگاه های دولتی است. شرایط کاری اساتید در بخش خصوصی تاثیری منفی بر نوآوری در تدریس و انعطاف پذیری در آموزش عالی دارد، بطور کلی اساتید در این مراکز دستمزد های پایینی در یافت می کنند و دل گرمی ای برای انجام پژوهش و تحقیق ندارند. بودجه های اختصاص یافته به تحقیق و پژوهش پایین بوده و از آن استقبال نمی شود. تدسیس دانشگاه های آزاد دولتی در شهرهای کوچک کشور که هیچگونه زیر بنای آموزشی ندارند خود مشکل دیگری است. طبقه بندی و تمایز فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی نیز یکی از علت های افزایش گرایش به ثبت نام در دوره های شبانه دانشگاه های دولتی نسبت به موسسات غیر انتفاعی است.

یافته نهم :

جدول شماره ۹. میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر ششم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر ششم
۴.۹۶	تمایل دولت به تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها و دانشجویان	۱	موانع فرهنگی و اجتماعی
۴.۲۷	عدم اعتماد در زمینه انتقال دانشگاه ها به دور از دخالت های دولتی (از بخش دولتی به خصوصی)	۲	
۳.۳۳	نگرش منفی نسبت به خصوصی سازی آموزش عالی	۳	
۳.۰۱	عدم شفافیت و نبود آگاهی لازم در مورد روش های خصوصی سازی و فواید آن در سطح جامعه	۴	
۲.۸۳	ترس از تغییر در شرایط موجود (مثل تغییر در شرایط نیروی کار، اشتغال و ...)	۵	
۲.۶۰	ترس از فاصله گرفتن از ارزش های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه ها	۶	

میانگین رتبه های جدول فوق نشان می دهد که تمایل دولت در تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها و دانشجویان از دیدگاه پاسخگویان دارای بیشترین و ترس از فاصله گرفتن از ارزش های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه ها دارای کمترین اهمیت است و سایر شاخص ها به ترتیب فوق بین این دو عامل قرار دارند. در این تحقیق به رغم تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، این دو در یک شاخص مورد بررسی قرار گرفته اند. به طور کلی از نظر جامعه آماری مورد مطالعه، تمایل دولت به تسلط و دخالت در امور

اجتماعی دانشگاه ها یکی از موانع جدی شکل گیری دانشگاه ها در بخش خصوصی است، در حقیقت سیاست های کنترلی و نظارتی بسیار شدید هرگونه قدرت انعطاف را سلب نموده است. هم چنین در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی نوعی عدم اعتماد وجود دارد و همان گونه که در مباحث قانونی عنوان شد اساساً از نظر ارزشی یک نگرش منفی نسبت به امر خصوصی سازی به چشم می خورد. از دیگر مشکلات فرهنگی در سطح جامعه عدم شفافیت و آگاهی لازم در مورد روش های خصوصی سازی است از طرفی فواید و آثار مثبت خصوصی سازی در این بخش نه تنها برای جامعه که برای دست اندرکاران نیز به وضوح معلوم نبوده و این اعتقاد وجود ندارد که یک بخش خصوصی با ظرفیت بالا و با وجود راهکارهای توافقی برای اخذ شهریه از دانشجو می تواند یک فضای رقابتی مناسب را با خدمات بهتر آموزشی به وجود آورد. از دیگر موارد مطرح شده در این بخش بحث جنبش های دانشجویی در جوامع در حال توسعه و در حال گذاری چون ایران است و همواره یک نگرانی از فاصله گرفتن از ارزش های مطرح در جامعه و ارزش های ترویجی دولت احساس می گردد.

راهکارهای پیشنهادی: پس از شناسایی مشکلات ناظر بر هر متغیر، راهکارهایی توسط مخاطبان پیشنهاد شده است که بر اساس ابعاد شش گانه تحقیق در ذیل ارائه می گردد. در بررسی موانع قانونی کارشناسان حجم نمونه پیشنهاداتی را در زمینه کاهش موانع خصوصی سازی آموزش عالی مطرح نمودند که در جدول ۱۰، قابل رویت است:

جدول شماره ۱۰. راهکارهای قانونی

موانع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد قانونی	کاهش دخالت وزارت علوم در اداره ی امور و تمرکز آن بر جنبه های آموزشی و پژوهشی؛
	افزایش انگیزه های سرمایه گذاری و حمایت از سرمایه گذار؛
	باثبات کردن قوانین و تضمین قانونی دولت برای سرمایه گذاری بخش خصوصی؛
	تغییر مؤسسات غیر انتفاعی به مؤسسات آموزش عالی ملی؛
	تصور ایجاد شده از موسسه غیر انتفاعی یک موسسه ی غیر سود آور است و این انگیزه سرمایه گذاری سرمایه گذاران را کاهش می دهد. تغییر این نگرش می تواند راهکاری در جهت حل مشکلات موجود باشد؛
	تدوین و اجرای قوانین حمایتی ، امنیت لازم و زمینه مساعد برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی؛
	رسیدگی به فوریت های حقوقی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور؛

دایمی کردن مفاد ماده ۴۹ (استقلال و خودگردانی دانشگاه ها)؛	
یکپارچه سازی قوانین و مقررات آموزش عالی با مشارکت حقوقدانان و کارشناسان خبره؛	
حفظ یکپارچگی و سنخیت قوانین خصوصی سازی با سایر قوانین و مقررات کشوری؛	

در بعد اقتصادی جامعه آماری تحقیق بیشترین تاکید را بر راهکارهای افزایش حمایت های مالی از دانشجویان مراکز خصوصی و جذب منابع جدید داشته اند . خلاصه پیشنهادات مطرح شده در جدول ۱۱ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱۱. راهکارهای اقتصادی

مانع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد اقتصادی	اجرای برنامه ها و اقدامات زیر بنایی اقتصادی در کشور
	اصلاح بازار کار (به ویژه با تاکید بر ارائه آموزش هایی برای اشتغال زایی فارغ التحصیلان)؛
	رفع موانع و محدودیت های تجاری (اعمال معافیت مالیاتی و ارائه تسهیلات بانکی به دانشگاه های خصوصی)؛
	اصلاح اساسنامه «تیپ» دانشگاه ها به نحوی که تعیین تکلیف اموال مشخص بوده و به نحوی باشد که به خود سرمایه گذار برگردد؛
	افزایش حمایت های مالی از دانشجویان
	اعطای وام های مناسب (well-designed loan scheme) : میزان این وام ها به اندازه ای است که هزینه های تحصیلی و هزینه های واقعی زندگی دانشجوی را پوشش دهد ؛
	اعطای بورس یا کمک هزینه های تحصیلی از سوی دولت که درصدی از آن از حقوق ماهیانه دانشجوی و پس از فارغ التحصیلی باز پرداخت خواهد شد؛
	تدوین طرح تقویت صندوق رفاه دانشجویان نظام آموزش دولتی و غیر دولتی؛
	پشتیبانی از مشارکت بخش خصوصی در اداره امور صنفی دانشجویان؛
	ایجاد تنوع در نظام پرداخت تسهیلات به دانشجویان؛
	یک نوع از طرح های ملی کمک مالی به دانشجویان نیز ، سیستم کمک به صورت مشروط است. برای مثال در هلند، کمک مالی به شکل وام صورت می گیرد اما گرفتن همه یا بخشی از آن وام بستگی به نمرات و عملکرد دانشجو دارد؛
	ایجاد بسترهای مناسب جهت ایجاد شرکت های دانشگاهی؛
	انجام تبلیغات گسترده در سایر کشورها، جهت جذب دانشجو و نیز انعقاد تفاهم نامه در زمینه اعزام اساتید به کشورهای چون کشورهای همجوار و یا امریکای لاتین؛
	کمک به ایجاد نهادهای مالی ریسک پذیر در امر سرمایه گذاری در پژوهش ها؛
	موظف ساختن سازمان ها به ارجاع مشکلات خود در قالب طرح های پژوهشی؛

ایجاد انگیزه در کمک های نوع دوستانه و انجام امور خیریه؛	گسترش رابطه صنعت و بازار و جذب منابع جدید
ایجاد محیط مالیاتی مطلوب برای افراد و شرکت هایی است که تمایل به پرداخت کمک های مالی برای مقاصد آموزشی دارند؛	
اجرای سیاست های تشویقی مثل کاهش مالیات بر درآمد خیرین؛	
اعطای وام از طریق بانک های دولتی؛	
تاسیس شرکت های مشتق از دانشگاه؛	
توسعه مراکز رشد و پارک ها؛	
توسعه دفاتر ارتباط با صنعت؛	
استفاده از فعالان صنایع در هیأت های امانا؛	
رویکرد مشتری محوری در فعالیت های دانشگاهی؛	
تقویت مکانیزم بازاریابی توسط دانشگاه ها؛	
افزایش اعتماد صنعت به دانشگاه ها؛	
اعطای مجوز فروش خدمات به بخش دولتی و خصوصی؛	

در بعد مسائل سیاسی صاحب نظران بر این اعتقاد بودند که عواملی چون تعویض مدیران آموزش عالی و عدم وجود بر فعالیت های دولت و نیز انحصار فعالیت های بنگاه های اقتصادی توسط بخش دولتی و شبه دولتی از جمله مسائلی هستند که پیشروی خصوصی سازی آموزش عالی قرار دارند. بر این اساس راهکارهایی کلی برای کاهش مشکلات سیاسی مطرح گردید که در جدول شماره ۲، ارائه شده است:

جدول شماره ۱۲. راهکارهای سیاسی

موانع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد سیاسی	ایجاد ثبات و پایداری در سیاست ها؛
	کم کردن فعالیت ها و سیاست های دولت در بخش خصوصی و جلوگیری کردن از سیاست های دو گانه سهل گیرانه و سختگیرانه در برابر بخش دولتی و خصوصی؛
	اتخاذ تدابیری جهت شفاف سازی درآمدها و پاسخگویی دولت؛
	شایسته است دولت در سطح کلان سیاست های خود را در قبال فرآیندهای خصوصی سازی شفاف سازد و تداوم اقدامات صورت گرفته در این زمینه را تضمین کند؛
	شفاف سازی نحوه نظارت دیوان محاسبات بر دانشگاه ها؛
	تعیین شاخص های نظارت بر عملکرد دانشگاه ها؛
	تعیین نوع و سطوح نظارت و پاسخگویی؛
	دولت می تواند تیم هایی را با نمایندگانی حرفه ای از سازمان ها و انجمن های مختلف، و مؤسسات دولتی و خصوصی برای بحث و بررسی و اصلاح برنامه آموزشی سازماندهی کند. یک مثال خوب از چنین ابتکاری همکاری بین وزارت علوم، برزیل و کانون وکلا برای ایجاد یک برنامه درسی جدید برای رشته های حقوق و قانون گذاری است؛

استفاده دولت از اهرم های نظارتی به منظور ایجاد رقابت میان دانشگاه های خصوصی و یا مستقل؛	
ارزیابی کیفیت آموزشی و اعتبار سنجی تمام مراکز خصوصی و تمام برنامه ها و مدارک توسط دولت؛	

در بررسی موانع ساختار اداری نیز کارشناسان حجم نمونه پیشنهاداتی را در زمینه کاهش موانع خصوصی سازی آموزش عالی مطرح نمودند که در جدول ۱۳، قابل رویت است:

جدول شماره ۱۳. راهکارهای ساختاری

مانع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد ساختار اداری	تثبیت روش های توسعه مشارکت مردمی؛
	کاهش دیوان سالاری در کشور؛
	از بین بردن فعالیت های دو گانه دانشگاه های دولتی؛
	ایجاد پایگاه اطلاعات جامع از توانایی ها و ضعف های دانشگاه های خصوصی؛
	تاسیس و راه اندازی بانک اطلاعات و قوانین و مقررات آموزش عالی و مصوب؛
	تقویت ستاد تحول اداری وزارتخانه در راستای اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۴۹؛
	ایجاد نظام جامع ارزیابی دانشگاه های کشور؛
	تامین، جذب و آموزش مدیران مالی کارآمد در دانشگاه ها؛
	تشکیل و تقویت هیأت های امنای دانشگاه های خصوصی و غیر انتفاعی و مجامع آموزش عالی به ویژه در زمینه کنترل کیفی و اعتبار سنجی؛

در زمینه مسائل آموزشی و علمی صاحب نظران راهکارهایی را برای افزایش هرچه بیشتر سطح برنامه های آموزشی و پژوهشی در مؤسسات خصوصی و افزایش تمایل اساتید به انجام تحقیق و پژوهش را پیشنهاد نمودند که در جدول ۱۴، ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱۴. راهکارهای آموزشی و علمی

مانع	خلاصه راهکارهای اجرایی	
بعد علمی و آکادمیک	انعطاف پذیر کردن شیوه های آموزشی در مؤسسات خصوصی؛	
	کاربردی کردن فعالیت های مؤسسات خصوصی به نحوی که بیشتر افراد صاحب نظر و متخصص تولید کند و نه فقط افراد دارای مدرک؛	
	کاهش تمایز بین فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی با یکسان سازی دوره های آموزشی و پژوهشی بین این دو بخش؛	
	تقویت هیأت علمی دانشگاه	ایجاد نظام حمایت مالی از اعضای هیئت علمی؛
	های خصوصی	تدوین طرح تقویت صندوق آتیه دانشگاهیان(تشکیل بانک دانشگاه)؛
		استفاده از سیستم پاداش و تسهیلات از طریق فرآیندی رقابتی و بر مبنای شایستگی ها؛

پیگیری تسهیلات و تامین از طریق منابع دانشگاهی برای حمایت از تحقیق و پژوهش؛	کنترل کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه های خصوصی
یافتن معیارهای اصولی و قابل اطمینان برای اعطای اعتبارات آموزشی و پژوهشی و سایر امکانات به مراکز خصوصی؛	
اطمینان از وجود حداقل معیارها و موازین معتبر علمی در امر آموزش و پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه ها و دانشکده ها و ایجاد انگیزه برای درون جوشی دانشگاهها در ارتقای معیارها؛	
ایجاد یک نظام پایش و نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش عالی در تمامی موسسات (اعم از دولتی و خصوصی)؛	
تشکیل تیم های مستقل و آزاد که بتوانند بررسی کیفی دانشگاه های خصوصی را به درستی انجام دهند؛	
با توجه به بالا بودن میزان شهریه های دریافت شده از سوی دانشگاه های خصوصی باید در تدوین برنامه های آموزشی به علایق ذی نفعان به خصوص دانشجویان توجه کامل شود؛	

با بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی ، اعضای جامعه آماری تحقیق پیشنهاداتی را به شرح جدول 15 ارائه نمودند:

جدول شماره ۱۵. راهکارهای فرهنگی - اجتماعی

مانع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد فرهنگی و اجتماعی	زمینه سازی اجتماعی و قانونمند کردن خصوصی سازی؛
	ایجاد تفکر و بینش لازم برای گسترش آموزش عالی خصوصی در بین سیاستگذاران، برنامه ریزان و مدیران کلان اجرایی آموزش عالی؛
	ایجاد کارگاه ها و کلاس های آموزشی برای روسا و مدیران دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی؛
	تقویت دیدگاه مدیران نظام آموزش عالی کشور در خصوص استقلال دانشگاه ها؛
	آگاه کردن افراد از هزینه های آموزش عالی و بازگشت سرمایه شان؛

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش گردید تا به بررسی مهمترین موانع خصوصی سازی دانشگاه هادر کشور پرداخته شود. این پژوهش در سه مرحله صورت پذیرفت که در مرحله اولیه آن از افراد صاحب نظر خواسته شد تا در مصاحبه هایی عمیق و کیفی شرکت و به بررسی موضوع بپردازند. پس از استخراج مهمترین مؤلفه ها و طراحی پرسشنامه ای با سؤالات

بسته به شیوه لیکرت، نظرات ۹۳ تن از کارشناسان پرسیده شد. نتایج این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که عواملی چون فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی، پایین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی، فقدان آزادی علمی در دانشگاه‌ها و تمایل دولت به تسلط در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها، از اصلی‌ترین مشکلات خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها بوده و در مجموع موانع سیاسی مهم‌ترین چالش پیش‌روی خصوصی‌سازی در بخش آموزش عالی است. همچنین تجزیه و تحلیل یافته‌ها بیانگر این موضوع است که از لحاظ قانونی موانعی بر سر راه خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی وجود دارد؛ عدم وجود قوانین مناسب سبب گردیده تا گرایش زیادی به سرمایه‌گذاری در این بخش وجود نداشته باشد. از سوی دیگر تمرکز گرایی زیاد دولتی و کنترل‌های غیر ضروری می‌تواند سبب کاهش انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری شود. چنانچه وزارت علوم بیشتر بر جنبه‌های آموزشی و پژوهشی تمرکز نموده و تضمین آن را پیگیری نماید و از نحوه و شیوه اداره امور به شکل فعلی، صرف نظر کند، می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. به عنوان مثال یک بند در اساسنامه «تیپ» که تمام مؤسسات ملزم به اجرای آن هستند، تعیین تکلیف اموال پس از انحلال مؤسسات است که بر اساس آن در صورتی که سرمایه‌گذاران در زمان تأسیس و بعد از آن اموالی را برای مؤسسه آورده باشند، موظفند در صورت انحلال مؤسساتشان، تمامی اموال را به وزارت علوم بپردازند و این مسئله به نوعی احساس امنیت را از سرمایه‌گذاران سلب می‌نماید. یکی از موانع دیگر خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها مربوط به شیوه تفکر و نوع نگاه به اصل عدالت اجتماعی در جامعه ایران در سه دهه گذشته است. بطور کلی می‌توان عنوان کرد که نوعی مغایرت بین این اصل و خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها قابل رؤیت است و به نوعی تلقی احساس بی‌عدالتی در ورود افراد به دانشگاه‌ها (با پرداخت شهریه) وجود دارد. بر اساس مطالعات صورت گرفته به وسیله تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰)، توجه به امر خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشورهایی چون ایران به علت وجود عقاید مذهبی بحران‌هایی را در پی خواهد داشت که از مهم‌ترین آنها توجه به عدالت اجتماعی و در دسترس بودن آموزش و برابری آموزشی، طبقاتی نشدن آموزش

عالی و... است، که اهمیت موارد مطرح شده در تحقیق فوق با توجه به نتایج کسب شده از این مطالعه مورد تأیید قرار می گیرد.

در بعد اقتصادی می توان بیان نمود که پرداخت شهریه های سنگین یکی از مهمترین موانع پیشروی خصوصی سازی دانشگاه ها می باشد که این مسئله با نتایج تحقیق هولژاگر و همکارانش در سال ۲۰۰۹ و نیز آراسته و اسفندیاری در سال ۱۳۸۹ همسو می باشد. از طرفی تحقیقات صورت گرفته نتایجی متناقض را نشان می دهند؛ درآمد خانواده های دانشجویان مراکز دولتی به مراتب بیشتر از مراکز خصوصی و غیر دولتی است. شواهد حاکی است که امروزه تعداد قابل توجهی از دانشجویانی که برای ادامه تحصیل مراکز خصوصی را در اولویت قرار می دهند از خانواده های طبقات پایین هستند. زیرا خانواده های آنها قادر به فراهم آوردن شرایط تحصیلی مناسب برای فرزندان شان در دوره دبیرستان و ما قبل آن نبوده و به مدارس بهتر، کلاس های آموزشی با کیفیت بالاتر و... دسترسی ندارند.

از بعد آموزشی نیز بسیاری از صاحب نظران معتقدند در ایران، کیفیت تحصیل و پژوهش در دانشگاه های غیردولتی و خصوصی بسیار پایین تر از دانشگاه های دولتی است. این تفکر در میان عامه مردم نیز به چشم می خورد. دانشگاه های بخش خصوصی به دلیل این که پژوهش یک فرآیند بلند مدت است و احتمالاً در کوتاه مدت بازده اقتصادی ندارد، توجه کافی به این امر خطیر ندارد و به علت پرهزینه بودن تحقیقات، تقریباً تمامی دانشگاه های خصوصی، مسئله تحقیقات را که عاملی ضروری در توسعه آموزش عالی است به دست فراموشی سپرده اند. از نظر امکانات آموزشی و سایر تسهیلات آموزشی، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بر خصوصی برتری دارند. مبلغ سرانه ای که برای آموزش دانشجویان در دانشگاه های دولتی هزینه می شود در اکثر کشورها بیش از این مبلغ در دانشگاه های خصوصی است. از نظر کارایی نیز دانشگاه های دولتی سرآمدتر از مراکز آموزشی خصوصی هستند. به عنوان مثال معمولاً میزان ترک تحصیل در دانشگاه های خصوصی بیشتر از دانشگاه های دولتی است همچنین، دانشگاه های خصوصی به طور معمول از اساتید بازنشسته و یا پاره وقت استفاده می کنند و از این رو کیفیت برنامه های

آموزشی در این مراکز پایین تر است. دانشگاه‌های خصوصی همچنین از امکانات، فضای آموزشی و تسهیلات کمتری نسبت به دانشگاه‌های دولتی برخوردارند و مبلغ سرانه ای که در این دانشگاه‌ها صرف آموزش هر دانشجو می‌شود از هزینه ای که در دانشگاه‌های عمومی و دولتی صرف می‌شود پایین تر است. این نگرانی از کاهش کیفیت آموزشی در مراکز غیر دولتی و خصوصی و نبود کادر علمی مناسب و هزینه های تحقیق و پژوهش و ایجاد تمایز بین فارغ التحصیلان مؤسسات دولتی و خصوصی در این مراکز از جمله مواردی است که روشن در سال ۱۳۸۸ در ایران، پاگوتی در سال ۲۰۰۱ در برزیل، بات اردنت در سال ۲۰۰۷ در اوکراین و واکارکویت در سال ۲۰۰۸ در چند کشور آسیایی در جریان بررسی وضعیت خصوصی سازی دانشگاه‌ها به آن اشاره نموده‌اند و این مسئله هم-سویی نتایج تحقیق را با سوابق پژوهشی مورد تأیید قرار می‌دهد.

براساس نتایج این مطالعه تنظیم استانداردهایی برای افزایش کیفیت آموزشی دانشگاه‌های خصوصی و انجام حمایت‌های مالی از اساتید و دانشجویان مانند پاداش‌ها، کمک هزینه های تحصیلی، وام‌ها و کوپن‌ها، ارزیابی صحیح فعالیت‌های اساتید و تشویق آنها در جهت انجام پژوهش و تحقیق، از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند به رفع مشکلات ناشی از روند خصوصی سازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور کمک نمایند؛ نیز کاهش نقش تصدی گرانه و عملیاتی وزارت علوم قطعی و ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا خصوصی سازی دانشگاهی در ایران با توجه به پیچیدگی‌های محیط اجتماعی و سیاسی این کشور، کاری عظیم و پرمشقت می‌نماید که همکاری و هم اندیشی دست اندرکاران و کارشناسان مربوطه را می‌طلبد. با توجه به ساختار سنتی نظام‌های اداری کشور که ریشه در دیوان سالاری دولتی دارند، لازم است در صورت اقدام به خصوصی سازی دانشگاهی در کشور، نظارت‌هایی جهت حل این مشکل به کار گرفته شود و تمایل به بازگشت دیوان سالاری کاهش یابد. از سویی براساس دیدگاه «مبتنی بر محوریت اصل عدالت اجتماعی» چند تن از اعضای جامعه آماری این پژوهش، امر خصوصی سازی همراه با پی گیری استقلال دانشگاهی از اهمیت زیادی برخوردار است و این دو سیاست در کنار هم منجر به همکاری بیشتر و مؤثرتر دو بخش دولتی و خصوصی آموزش عالی خواهد

شد. منظور از استقلال دانشگاهی برخورداری از آزادی و عدم پابندی به مقررات دست و پاگیر دیوان سالارانه دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه و مدیریت آن، توزیع داخلی منابع مالی، کسب درآمد از منابع غیر عمومی، استخدام کارکنان، شرایط تحصیل و برخورداری از آزادی در خصوصی چگونگی تدریس و پژوهش است. در صورت اجرای این طرح در کنار خصوصی سازی، دانشگاه‌ها به طور مستقل و خودگردان اداره شده و آموزش نیز به عنوان یک کالای عمومی عرضه می گردد و تناقضی با قانون اساسی نیز نخواهد داشت. در این صورت دانشگاه های بزرگ مستقلاً خواهیم داشت که به راحتی می توانند با هم به رقابت پرداخته و به دور از دخالت های دولتی و قوانین دیوان سالارانه، با انعطاف و استقلال بیشتری در مدیریت فعالیت کنند البته در این راستا نیز قدم هایی برداشته شده که شامل تصویب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه است. همچنین دانشگاه های ایرانی می توانند با تبلیغات گسترده جهت جذب دانشجو و نیز انعقاد تفاهم نامه در زمینه اعزام اساتید به کشورهایایی چون کشورهای هم جوار و یا کشورهای آمریکای لاتین زمینه رشد و تحرک خود را فراهم آورند.

فهرست منابع

- آراسته، حمید رضا؛ اسفندیاری، توران (۱۳۸۹)، «خصوصی سازی در آموزش عالی»، فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۱، ص ۱۶.
- تسنیمی، عباسعلی؛ سجادی، سید مهدی (۱۳۸۰)، «نقدی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۷، شماره ۲۰، صص ۴۱-۱۵.
- جانستون، بروس (۱۳۸۳)، «خصوصی سازی آموزش عالی»، مترجم: حمید رضا آراسته، دایره المعارف آموزش عالی، انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- جعفری، پریوش (۱۳۸۹)، «ارائه مدلی مناسب برای خصوصی سازی آموزش و پرورش در ایران»، قابل دسترسی در سایت سازمان خصوصی سازی به آدرس: <http://www.ipo.ir>
- جونز، دی آر (۱۳۸۳)، «خصوصی سازی در آموزش عالی»، مترجم: هادی شیرازی بهشتی، گزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، صص ۴۸۹-۵۰۵.
- جیمز، ای (۱۳۸۱)، «تقسیم مسئولیت آموزش و پرورش بین بخش خصوصی و عمومی»، مترجم: عبدالحسین نفیسی، دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش (جلد اول)، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران، صص ۱۴۴-۱۶۱.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۳)، «مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، انتشارات سمت، چاپ دهم، تهران.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق آن»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، صص ۱۰۶-۷۹.
- رحیمی کلشادی، رضا (۱۳۸۸)، «خصوصی سازی آموزش عالی و بررسی اثرات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی آن»، پایگاه حوزه وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان. قابل دسترسی در: www.hozeh.ir
- رفیع پور، محسن (۱۳۸۱)، «بررسی تاثیر خصوصی سازی بر اثربخشی واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی: عباس مقبل.

روشن، احمدرضا (۱۳۸۸)، «خصوصی سازی آموزش عالی در ایران»، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۵) «بررسی تحلیلی خصوصی سازی آموزش عالی»، قایل دسترسی در: www.iranculture.org

علی احمدی، علیرضا؛ سعید نهایی، وحید (۱۳۸۷)، «توصیفی جامع از روش های تحقیق»، انتشارات تولید دانش، چاپ ششم، تهران.

عزتی، میترا؛ نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، «تاثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروههای آموزشی دانشگاهی: مطالعه موردی: دانشگاه تهران»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲، صص ۲۳-۵۴.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)، «دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله های ایرانی»، نشر نی، تهران.

گزارش ملی آموزش عالی کشور، (۱۳۸۷)، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی آموزش عالی. محمودی، وحید (۱۳۷۵)، «امکان سنجی خصوصی سازی آموزش عالی با توجه به وضعیت توزیع درآمد و مصرف در کشور»، طرح پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد.

معین، مصطفی (۱۳۸۳)، «استقلال دانشگاه، توسعه علمی کشور و اختتام فرصت ها»، مجموعه مقالات اولین همایش روش های پیشگیری از اتلاف منابع ملی، صص ۲۳-۱۷، قابل دسترسی در سایت فرهنگستان علوم کشور به آدرس: www.ias.ac.ir

ملکی، حمید (۱۳۸۵)، «تعیین مؤلفه های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور و ارائه مدل مناسب»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، به راهنمایی نادر قلی قورچیان.

مهرگان، محمد رضا؛ دهقان نیری، محمود (۱۳۸۸)، «مدل راهبردی ارزیابی مؤسسات آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی»، شماره ۵۲، صص ۵۵-۷۹.

رحمانی میاندهی، غلامرضا؛ نصر آبادی لواسانی، زهرا؛ حسن نفرآباد، علی (۱۳۸۰) «استقلال دانشگاهی در آینده»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۰، صص ۶۵-۱۰۲ و ودهال، ام (۱۳۸۰)، «گذشته و حال اقتصاد آموزش و پرورش»، مترجم: مرتضی امین فر، دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، صص ۳۸-۱۳.

هاشم نیا، شهرام؛ عمادزاده، مصطفی؛ صمدی، سعید؛ ساکتی، پرویز (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل موثر بر درآمدهای اختصاصی تحقیقات دانشگاهی در دانشگاه های صنعتی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲.

A Report of the Delta Cost Project, (2010), "*Trends in College Spending 2008-1998: Where Does the Money Come from? Where Does it Go? What Does It Buy?*", pp. 45-40.

Barr.N (2004), "*Higher education funding*", Oxford review of economic policy, Vol. 20, No. 2.

Bistang C.R (2005), "*Mobilization the private sector for public education*", J.F.Kennedy school of government, Harvard,Massachusetts.October,PP. 5-6.

Boyd, W. (1999), "*International Aspects of Education Commerce*", Private Higher Education, Private Schools, For-Profit and Nonprofit Institutions, Public-Private Partnerships, Encyclopedia of Education (First edition). PP.1221 -1218.

Brown.K (2002) , "*The right to learning, alternative for a learning society*", New York.

Cabinet of Ministers of Ukraine Decree (2008), "*On Some Issues of Student Stipend Provision*", March 5. Available at: www.mon.gov.ua.

CIA World fact book (2010), U.S. Department of state, "*Area Handbook of U.S library of congress- country studies*", <http://country.studies.us>.

Council for Aid to Education (2010), "*Contributions to Colleges and Universities*"

Etzkowitz.H (2001), "*The 2ed academic revolution & the rise of entrepreneurial science*", Technology and science, No. 22(2), PP.18-29.

Gibbs,P (2001), "*Higher education as a market: a problem or solution?*", studies in higher education,Vol.26 ,No.1, PP. 85-94.

Holzacker.D ,Chornoivan .O, Yazilitas.D , Ochir.K.D (2009), "*Privatization in Higher Education: Cross-Country Analysis of Trends, Policies, Problems, and Solutions*", Issue Brief, Washington D.C, Available at: www.ihep.org.

Lyall and Katharine(2006), "*The de facto privatization American public higher education*", Chandeo, No 7.

Lott.J.R (1990), "*Academic freedom in a public university.U.S :Montana state university*", the freedom, March,PP. 112-115.

Marcucci, P. N. and Johnstone, D. B. (2007), "*Tuition Fee Policies in a Comparative Perspective: Theoretical and Political Rationales*", Journal of Higher Education Policy and Management. Vol.29, No. 1, PP. 40 – 25.

McCowan. Tristan (2004), “*The Growth of Private Higher Education in Brazil: Implications for Equity and Quality*”, Journal of Education Policy, Vol. 19, No. 4, PP. 453-472.

Memphis University(2003), “*Faculty development. The college of education*”, Office of Faculty development. UK.The university of Memphis.

Moein.M(2004), “*Autonomy of university ;country's faculty development and opportunities*”, first conference of prevention methods, PP.7-23, available at: www.ias.ac.ir(in Persian).

Mora,J.G (2005), “*Public-Private partnerships in Latin America: A review based on four case studies*”, prepared for the conference: mobilization the private sector for public education, Co- sponsored by world bank. Kennedy school of government ,Harvard university .October. PP. 5-6.

“*National Institute of Educational Studies and Research*”, (2011), (www.inep.gov.br).

NEA: National education association(2011), (<http://www.nea.org>).

NEA: National education association (2004), “*higher education and privatization*, washington D.C, Vol.10.

NKE steven, (2002), “*privatization& Development*”, International center for Economic Growth. P. 35.

Samford university(2003), www.applyweb.com.

Sivalingam .G(2006), “*Privatization Of Higher Education In Malaysia*”, Monash University Malaysia, School Of Business, Published by the Forum on Public Policy.

Smolicz.J.J (1999), “*Privatization in higher education: Emerging commonalities and diverse educational perspective in the Philippines ,Australia ,Poland and Iran*” ,Journal of development and society. Vol. 28, No.2, PP. 250-228.

Stormqvist G.H (2006), “*Impact of commercialization and privatization of higher education*”, Conference on management of change: The challenges facing universities, India, Hyderabad, September, PP. 26-29.

Strehl.F., Reisinger .S., Kalatschan.M,(2007) Funding systems and their effects on higher education systems, OECD education working papers. No.6.OECD Publishing.

Tilak.J.B.G(2008), “*Current trends in private higher education in Asia*” ,National university of educational planning and administration, India. Presented in International conference of: privatization in higher education, The Samuel Neaman Institute technion, Israel Institute of technology , Haifa, Israel.

Wisconsin University (2003), “*Faculty and Academic staff Development program.US: The university of Wisconsin*”.

World university service (2002), “*The lima declaration on academic freedom and autonomy of institutions of higher education*”, US.New York.

www.ez.nl/Onderwerpen/Meer_innovatie/Nederland_Ondernemend_Innovatieland (in Dutch).